

از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی با مبارزه علیه اپورتونیزم، رویزیونیزم و تسلیم طلبی در سطح ملی و بین المللی حمایت کنیم



انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی آخرین مرحله تکامل مارکسیزم- لنینیزم تاکنون میباشد. این انقلاب درک طبقه کارگر را از طبیعت و مناسبات جامعه انسانی به مرحله مارکسیزم- لنینیزم - مائویزم ارتقا میدهد. به همین لحاظ قبول داشتن انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و مائویزم به مثابه آخرین مرحله تکامل شناخت پرولتاریا تاکنون از جهان و جامعه خط فاصل بین کمونیزم و رویزیونیزم (مارکسیزم- لنینیزم) و اپورتونیزم سنترستی (مارکسیزم- لنینیزم- اندیشه مائوتسه دون) میکشد.

عصاره و هسته سیاسی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی مبارزه انقلابی پرولتاریا علیه نیروهای بورژوازی در داخل حزب، دولت و جنبش پرولتاریائی چین بود. مائوتسه دون و مائویست ها

برای سرکوبی رویزیونیزم و اپورتونیزم ضد انقلابی توده ها را به انقلاب فراخواندند و به آنها گفتند "ستاد فرماندهی بورژوازی را به توپ ببندید". ده ها میلیون کارگر، دهقان، روشنفکر انقلابی و زحمتکش به این فراخوان لبیک گفته بمیدان آمدند. و عظیم ترین، پراهمیت ترین و وسیعترین انقلاب تاریخ بشر را به ظهور رسانیدند.

همانگونه که ضرورت این انقلاب محدود به چین نبود در راستای یک مبارزه طولانی بین المللی علیه رویزیونیزم خروشی به ظهور میرسید، اهمیت آن به چین محدود نمیشد. دست آوردهای آن تمام جنبش کمونیستی جهان و تئوری سوسیالیزم علمی را دستخوش جهش کیفی میکرد. بطور مثال: این انقلاب به پرولتاریائی آموزد که تحت سوسیالیزم، دشمن عمده از خارج نمی آید، دشمن در داخل حزب، دولت

و جنبش کمونیستی نطفه می بندد، در آنجا شد و نمو میکند و در مدارهای مختلف قدرت سیاسی و حزبی جامیگیرد و دستگاه حاکمیت طبقاتی پرولتاریا را فاسد و کثیف میسازد. حالانکه قبل از آن تصور میشد دشمنان عمده انقلاب در خارج از مرزهای کشوری قرار دارند و فعالین و اجیران شان را به داخل اعزام میدارند. این انقلاب به طبقه کارگری آموزد که راه رسیدن به کمونیزم راه تکامل و انکشاف صلح آمیز نیست بلکه راه جهش ها و طوفان های انقلابی است. این انقلاب تئوری دیکتاتوری پرولتاریا را که قبلا در چارچوب سیادت طبقاتی در محدوده قدرت دولتی قرار داشت رشد و انکشاف داده و به تئوری "انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" تکامل بخشید.

از نظر فلسفی، این انقلاب درک ماتریالیزم مارکسیستی را از مناسبات اجتماعی تحت سوسیالیزم به مرحله نوینی ارتقا داد. توده ها که سازندگان تاریخ اند باید خود قادر شوند که برای ساختن تاریخ و به وجود آوردن جامعه نوین انسانی نقشه بکشند و آنرا عملی کنند نه مدیران و مهندسين نکتائی دار و از دماغ فیل افتاده ها. اگر درست است که فکر انسان از شرایط زندگی عینی او منشا میگیرد، باید محیط زندگی عینی انسانها را انقلابی ساخت تا افکار انقلابی بمتابۀ پدیده طبیعی در ذهن او پدیدار گردد. به همین دلیل این انقلاب تعلیم و تربیه را بر خط دیگرگونی قرار داد و دانشگاه های توده ای را به وجود آورد و طرز دید انسان را از سلطه اسلوب بینش اروپائی نجات بخشید. کارخانه ها تحت مدیریت کارگران قرار گرفت، پیوند کمون های توده ای با کارخانه ها بصورت دیالکتیکی (حرکت بسوی امحای تضاد شهر و روستا) برقرار شد. زنان که قبلا فقط از نظر قانونی از قید ستم مرد سالاری رهائی یافته بودند، با شرکت در انقلاب و انتقاد از کرکتر بورژوائی آزادی قانونی زنان، ضربات مرگباری را بر ستمگری جنسی وارد ساختند.

این انقلاب از نظر تشکیلاتی؛ دید پرولتاریا را به تشکیلات طبقاتی اش کاملا تغییر داد. قبل از آن حزب بمتابۀ ارگان طبقاتی پرولتاریا و عاری از اناگونیزم تصور میشد. حزب پرولتاریا به اینصورت آخرین جائی به حساب میرفت که باید دشمن را در آنجا جستجو کرد. اما این انقلاب نشان داد که حزب و دولت اولین جائی است که باید دشمن را در آنجا جستجو کرد. آیا پرولتاریا دشمنانی بزرگتر از تینگ سیائو پینگ، لیوشائوچی، پینگ ته هوای و... غیره دارد؟ اینها در کجا بودند؟ اینها در داخل حزب و دولت بودند و در داخل آن چه که حزب و دولت را رهبری میکردند.

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی زنجیرهای مذهب، سنت، عنعنات تبعیض آلود ستمگری ملی را در چین پاره و خلق هار ابرای درهم کوفتن مناسبات نابرابر ملی بسیج کرد. یکی از نمونه های این زنجیرگسیختن ها بسیج خلق تبت بود. خلق تبت قبل از انقلاب کبیر فرهنگی تحت تاثیر ویرانگر رسوم و عنعنات فئودالی و مذهب قرار داشتند. بر طبق این رسوم فقط آنهایی حق داشتند به آهن (بشمول ابزار کار) دست بزنند که پیشوایان دینی (لاما ها) به آن ها اجازه میدادند. در عقب این ممنوعیت تماس با آهن ممنوعیت شورش و انقلاب مسلحانه قرار داشت. انقلاب فرهنگی با بسیج کردن دهقانان و توزیع املاک لاما ها و کار با وسایط آهنین، این سنت را بر هم زد. در بین جامعه "فا" ها تا آن زمان نیز در موقع درو

وبرداشت محصولات زمین قربانی های پر قیمت و حتی مخفیانه قربانی انسان به خدای محصولات انجام میشد. حزب و دولت تحت تاثیر فتوای اپورتونیست ها و رویونیست هاسکوت مصلحت جویانه ارتجاعی را بر برخورد شورشگرانه انقلابی رجحان داده و چیزی نمیگفتند. در بین "میائو" ها سنت فئودالی "مرگ بر زنی که با استخوان سفید به بستر برود" رایج بود میائو ها استخوان سیاه و باقی جهانیان بشمول حان ها استخوان سفید بودند. زنی که مظنون به همبستری با یک غیر میائو بود زنده در آتش سوختانده میشد. حزب و دولت تحت تاثیر رویونیست ها و اپورتونیست ها "نگرانی" شانرا از اینگونه "پراتیک عقمانده!" اظهار میداشتند ولی اقدام انقلابی شورشگرانه رابه دلیل "حفظ صلح بین ملیت حان و ملیت های دیگر چین" زیرپامیگذاشتند.

بنابه اهمیت عظیم سیاسی وایدئولوژیک انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی است که رویونیست هادر چین آنرا "ماجر اجوئی مائوتسه دون" میگویند. این اتهام ضد انقلابی از دماغ عنصر خائنی مانند تینگ سیائوپینگ تراوش کرده و اهمیت دست آوردهای جهانشمول تنوریک و سیاسی آنرا آماج قرار میدهد. داکتر فیض احمد شاگرد وفادار تینگ سیائوپینگ علمبردار این پرچم ضد انقلابی در سطح افغانستان میباشد. رهبران ساما در زمانیکه این موضع گیری ضد انقلاب فرهنگی داکتر فیض برملا و روشن بود، به او پیوستند و به خصومت او با انقلابی کبیر فرهنگی پرولتاریائی به اندازه یک پیشیز هم اهمیت قایل نشدند. هنگامیکه کاسه تینگ سیائوپینگ از بام ضد انقلاب افتاد و خیانتهش مانند آفتاب نمایان شد رهبر ساماهیتی رابه خدمت او فرستاد. سر دسته همان هیت امروز رهبر سامانی است که خود را "مارکسیست- لنینیست!" میخواند. در حال حاضر بخشی از ساما (ساما- ادامه- دهندگان) از این مشی ضد انقلاب فرهنگی و شخص خود داکتر فیض همزبان و همسان با سازمان انقلابی افغانستان "سا" دفاع میکند. اینها به چه معنی اند؟ این هابه این معنی اند که امروز "سا"، "سملا" و "ساما- ادامه دهندگان" رویونیست های ضد انقلابی افغانستان اند. مبارزه علیه آنها بمعنی دفاع از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی میباشد. برای یک کمونیست حقیقی در افغانستان مبارزه یاسکوت علیه "سا"، "سملا" و "ساما- ادامه دهندگان" درست به معنی طرفداری از انقلاب کبیر فرهنگی و یاسکوت و بی تفاوت باقی ماندن در قبال آن میباشد. زیرا این تشکلهای نتنها رویونیست و ضد انقلابی اند، بلکه بطور عملی از طریق احزاب پارلمانی شان بازی رژیم مستعمراتی حاکم بر افغانستان را بازی میکنند. سکوت در مقابل آنها هیچ دلیل موجه جز این ندارد که سکوت کننده به رویونیزم و اپورتونیزم کم بهاداده و زندگی "مسالمت آمیز"، "مداراجویانه" و "احترام متقابل به یکدیگر" را ارج بگذارد. در غیر اینصورت از ردالت هرزه گی و فحاشی این رویونیست ها و فرصت طلبان میترسد و "غیرتمندانه" سکوت اختیار میکند. اما ترس و وا همه بسیار چیزها را در مورد این افراد فاش میسازد. و از همه مهمتر اینکه نزد اینگونه افراد شخصیت بورژوائی شان مهمتر از دفاع از معتقدات ایدئولوژی شان میباشد. آنها متوجه نمیشوند که انقلابیون سکوت شان را در مقابل ادعای بلندبالا و لاف و گزاف های شان میگذارند. و پی میبرند که وقتی آنها میگویند که "سرو جان و زندگی و فلان و بهمان و.. غیره ام فدای انقلاب و آزادی مردم باد" بخاطر

عوامفریبی است. کسی که از فحش و ناسزای چند موجود فحاش و مفلوک بترسد بدون هیچ سوالی سروجان و مالش را با هرگونه حقارت و بی غیرتی نجات میدهد و نمیگذارد که "فدا" شوند.



ما با تجلیل از 26 ام اگست روز تشکیل "گارد های سرخ" انقلاب کبیر فرهنگ پرولتاریائی یکبار دیگر تعهد گسست ناپذیر ما را بر مبارزه علیه اپورتونیزم و تسلیم طلبی ساما، رویونیوزم ساما- ادامه دهندگان و "ساا" و سازمان رهائی مجددا اعلام میداریم. و به رفقای انقلابی ما در ائتلاف مارکسیستی- لنینیستی- مائویستی خاطر نشان میسازیم

که مائویست های افغانستان در این مبارزه نفس کم نخواهند آورد. مبارزه بصورت عام و مبارزه علیه اپورتونیزم بصورت خاص امر انتخابی است ولی وقتی کسی مدعی کمونیست بودن شد مبارزه در همه ابعاد آن به جبر مبدل میشود. یک کمونیست زمانی میتواند از مبارزه علیه اپورتونیزم استتکاف ورزد که تفسیر دیگری غیر از انقلاب کبیر فرهنگ پرولتاریائی یعنی مائویزم از مبارزه "کشف" کرده باشد.

ائتلاف مارکسیست- لنینیست- مائویست های افغانستان برای حدت بخشیدن به این مبارزه انقلابی اولین سند مدونی را از خیانت های اپورتونیزم و رویونیوزم افغانستان برای اولین بار در تاریخ این کشور بصورت کتاب به نشر می سپارد. این اثر سند جاودانی است که به دست رفیق پولاد به رشته تحریر درآمده و به واسطه مائویست های افغانستان ویرایش گردیده و از جانب ائتلاف مائویستی کشور به نشر سپرده میشود. در این سند از پشت خنجر زدن های اپورتونیزم ساما و رویونیوزم سازمان رهائی و "ساا" به جنبش دموکراتیک نوین افغانستان بطور مستند منعکس گردیده است. بعد از نشر الکترونی این سند، مائویست های افغانستان به نمایندگی از ائتلاف مائویستی کشور آنرا بصورت کتاب در دسترس علاقمندان میگذارد.

درا هتزاز یاد درفش سرخ انقلاب کبیر فرهنگ پرولتاریائی!

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائویزم!

به پیش بسوی تاسیس حزب پرولتاریا در افغانستان!

فقط مبارزه علیه رویونیوزم و اپورتونیزم در افغانستان ملاک کمونیست بودن است.

مانویست های افغانستان

26 اگست 2014-08-31

با این آدرس با ما در تماس شوید

**P.O. Box 1
Station H
Montreal Quebec
H3G 2K5
CANADA**

www.shoresh.eu
shoresh2008@gmail.com